



درس خارج فقه استاد رضا برنجکار

۹۹/۰۳/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

موضوع: کرونا، شرور، و علم و دین

جلسه ۱۷، جلسه آخر

شرور و نقش دین در علم تجربی

یکی از مباحثی که پس از کرونا مطرح شد این بود که آنچه مسلم است این است که علوم تجربی و به خصوص علم پزشکی وظیفه دارند تا این بیماری را شناسایی و درمان کنند، اما آیا دین هم در این جا نقشی دارد یا خیر؟ نقش خدا و دین و اولیای دین در درمان بیماری ها، در مباحث قبلی مانند استجابت دعا و علم و قدرت معصومان ع مورد بحث قرار گرفت. اما این سوال به گونه ای دیگر هم مطرح شد و آن این که آیا دین به طور کلی در علوم تجربی و به طور خاص، علم پزشکی می تواند نقشی ایفا کند یا خیر؟

این بحث در ذیل مباحث رابطه علم و دین و تعاملات این دو قرار می گیرد. وایتهد در مورد تعامل علم و دین می گوید: دین و علم کاری ترین نیروهایی است که بر انسان نفوذ دارند و سیر آینده تاریخ، وابسته به نوع روابط میان آن دو است.

در مبحث علم و دین مباحث متعددی مطرح است که یکی از آنان تاثیرات یا کمک های دین به علوم تجربی است، که همین

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین(ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده-کامپیوتر

پخش زنده-اندروید

آرشیو مدرسه فقهات

بحث با بحث معنا و مفهوم علم دینی و تفاوت آن با علم سکولار مرتبط است.

برخی متفکران معتقدند دین و علم دو قلمرو مستقل از یکدیگر دارند و هر نوع تاثیر و تاثر این دو را انکار می کنند. کسانی که برای دین و علم قلمرو مشترک و تعامل قایلند، از تاثیرات مختلف دین بر علم سخن گفته اند. این اختلافات به اختلاف در مبانی این متفکران در تفسیر دین و علم برمی گردد. برای مثال، کسانی که قلمرو دین را حوزه فردی و ارتباط معنوی خدا و انسان فرومی کاهند، نمی توانند برای دین و علم قلمرو مشترک و تعامل قایل باشند. از این رو قبل از هر بحث، باید پیش فرض های خود را درباره دین و علم روشن کنیم.

پیش فرض ها و مبانی بحث

هر کدام از پیش فرض های زیر، مورد نزاع دانشمندان یا الهی دانان است و نیازمند بررسی مستقل و مبسوط می باشد، اما در اینجا به عنوان پیش فرض مطرح می شود تا به بحث اصلی برسیم.

۱. گزاره های دینی و علمی ناظر به واقعیتند و قدرت کشف واقعیت را دارند. بنابراین، دیدگاه هایی که زبان دین را غیر شناختاری می دانند، یا به ابزارانگاری معتقدند، مورد پذیرش نیست. البته دین و علم، در عین واقع نمایی می توانند کارکردهای دیگری مانند کارکرد های اخلاقی و ابزاری داشته باشند.

۲. به دلیل پیش فرض اول و این مطلب که دین و علم، هردو، به تفسیر جهان واحدی می پردازند، دارای قلمرو مشترک هستند و در موضوعات واحد سخن گفته اند.

۳. به دلیل پیش فرض های اول و دوم، دین و علم می توانند با یکدیگر تعامل یا تعارض داشته باشند.

۴. دین هم به دنیای انسان پرداخته و هم به آخرت او. از آن جا که دنیا مقدمه آخرت است دین به همه جنبه های زندگی دنیوی، مانند اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی، پرداخته است.

۵. دین هم به زندگی فردی و ارتباط انسان با خدا پرداخته و هم به زندگی اجتماعی و ارتباط انسان با هموعان خود و نیز دیگر موجودات زنده و محیط زیست.

۶. ملاک علمی بودن یک گزاره یا نظریه، نقش داشتن تجربه در تولید آن است نه نقش نداشتن دیگر عوامل. همچنین لازم نیست مانند پوزیتویست ها علمی بودن یک نظریه را به معنای اثبات آن توسط تجربه بدانیم، که البته با توجه به مشکل استقراء، این کار شدنی نیست.

۷. بر اساس پیش فرض قبلی، دین می تواند در فرایند تولید یک نظریه علمی نقش داشته باشد. البته چگونگی این نقش باید روشن شود، کاری که این نوشتار درصدد انجام آن به صورت فشرده است.

تاثیرات ممکن دین بر علم

در بیان تاثیرات دین بر علم، ابتدا از تاثیرات کم اهمیت تر شروع می کنیم و به سمت تاثیرات پر اهمیت تر حرکت می کنیم.

۱. دین می تواند به علم، برای رسیدن به اهدافش کمک کند. برای مثال، دین با ایجاد یا تقویت ایمان و عشق و امید در یک بیمار کرونایی، سیستم ایمنی او را تقویت کند و به فرآیند مداوای او توسط پزشکان سرعت بخشد. این تاثیر، حداقلی ترین تاثیر است و تاثیر در کاربرد علم است نه تولید علم.

۲. دین می تواند موضوعاتی را برای پژوهش در علوم پیشنهاد کند که بررسی این موضوعات باعث پیدایش نظریات جدید و

گسترش علم شود. برخی جامعه‌شناسان با استفاده از این تاثیر، جامعه‌شناسی اسلامی را توضیح داده‌اند.

۳. دین می‌تواند با هدف‌گذاری، علم را در مسیر خاصی وارد کند یا از ورود به مسیر خاصی بازدارد. برای مثال، دین، هدف اصلی زندگی را کمال معنوی و اخلاقی از طریق پرستش خدا و محبت به انسان‌ها می‌داند. اگر حاکمان و دانشمندان، این هدف‌گذاری را می‌پذیرفتند، دانش در مسیر سلاح‌های جنگی پیش نمی‌رفت و به جای آن در مسیرهای هماهنگ با هدف دین پیشرفت می‌کرد.

۴. دین می‌تواند در تفسیر برخی تجربیات تاثیر بگذارد. دوئم از مهم‌ترین منتقدان استقراگرایی در علم، معتقد است آزمایش در فیزیک، صرفاً مشاهده یک پدیده نیست، علاوه بر آن، تفسیر نظری این پدیده هم هست. این جمله دوئم را عموم فیلسوفان علم پذیرفته و با عنوان نظریه بار بودن مشاهده در فیزیک از آن یاد می‌کنند. البته این مطلب مختص فیزیک نیست و در همه علوم جاری است. بنابراین، همیشه یک تجربه، تفسیر واحدی ندارد. برای مثال، رفتار یک انسان بر خلاف هنجارهای رایج را می‌توان یک ناهنجاری و بیماری روانی تفسیر کرد، و نیز می‌توان آن را عملی متعالی از انسانی که به ارزش‌هایی بالاتر از ارزش‌های رایج پایبند است، تفسیر کرد. برخی فیزیک‌دانان معاصر در خصوص اصل آنتروپیک، دو تفسیر دینی و غیر دینی را از فیزیک‌دانان نقل کرده‌اند.

۵. دین می‌تواند در مقام گردآوری علم، نظریه‌هایی را به دانشمند پیشنهاد دهد تا در مقام داوری، توسط تجربه بررسی شود. پوپر که از مهم‌ترین منتقدان استقراگرایان در علم است، معتقد است علم دو مقام دارد: گردآوری و داوری. در مقام گردآوری می‌توان با استفاده از هر حوزه معرفتی، از جمله دین،

نظریه ای را حدس زد. اما همه نظریه ها باید در مقام داوری توسط تجربه حسی بررسی شود و در صورتی که توسط تجربه ابطال نشد، نظریه ای علمی قلمداد خواهد شد.

۶. دین می تواند برخی گزاره های مبنایی را در اختیار علم قرار دهد و علم بر اساس آن مبنایی، نظریه پردازی کند. برای مثال براساس مبنای حرمت ربا و این که کار و سرمایه هردو در سود و زیان باید شریک باشند، شرکت های دانش بنیان می توانند محور فعالیتهای اقتصادی باشند. یا بر اساس احکام عملی دین، می توان قوانین حقوقی مدنی و جزایی را وضع کرد، همان طور که بر اساس عرف، یا قوانین روم باستان، این قوانین می تواند وضع شود.

۷. دین می تواند در کنار تجربه حسی، در مقام داوری علم ایفای نقش کند. این تاثیر، تاثیری روشی بوده و در مهم ترین و نهایی ترین بخش از روش علم، یعنی داوری مطرح می شود. برخلاف تاثیرات قبلی، که یا تاثیرات روشی نبود یا در مراحل مقدماتی روش علم مطرح می شد. اگر نقش انحصاری حس را برای داوری کنار بگذاریم، وحی و عقل نیز می توانند در مقام داوری علم ایفای نقش کنند. به دیگر سخن، بر اساس پذیرش تاثیر هفتم، آزمایش علمی، اعم از آزمایش حسی و آزمایش عقلی و آزمایش وحیانی خواهد بود. بر این اساس، تجربی بودن علم، به معنای حضور تجربه در مراحل مختلف علم خواهد بود نه انکار ایفای نقش برای دیگر حوزه های معرفتی در این مراحل.

تاثیر گذاری دین در مقام داوری، نیازمند یک نظام روشی یا پارادایم است که جایگاه حس، عقل و وحی را در مقام داوری مشخص کند. برخی مدعی تولید چنین نظام روشی هستند.

این تاثیر، شان واقع نمایی علم را از بین نمی برد، زیرا یکی از پیش فرض های مقاله این بود که وحی و دین، واقع نماست.

جمع بندی و نتیجه گیری

به نظر می رسد همه تاثیرات محتمل دین بر علم را می توان به هفت تاثیر ذکر شده برگرداند. این تاثیرات را می توان در سه نوع تاثیر، دسته بندی کرد. نوع اول، تاثیر دین پس از تولید علم است که در آن، دین در کاربرد و نتیجه بخشی آن تاثیر می گذارد. تاثیر اول، از این نوع بود. نوع دوم، تاثیر در مراحل مقدماتی علم است. تاثیرات دوم تا ششم از این نوع بود. نوع سوم، تاثیر در مرحله نهایی علم یعنی مقام داوری است. تاثیر هفتم از این نوع بود. اثبات امکان شش تاثیر نخست، بلکه وقوع آن در تاریخ علم، دشوار نیست و توضیحات فشرده ای که در مورد هر تاثیر دادیم، برای این منظور کافی است. اما تاثیر هفتم نیازمند بحث بیشتری است و لوازمی دارد که برای بسیاری از فیلسوفان علم، پذیرش آن دشوار است.

